

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »  
۰۱ اکتوبر ۲۰۱۶

## تفسیر احمد- ۲۲

### ترجمه و تفسیر سوره زلزله- ۲

#### اسباب نزول آیات ۷- ۸ سوره زلزله:

ابن ابو حاتم از سعید بن جبیر روایت کرده است: چون خدای پاک آیت «و یطعمون الطام علم حبه ...» (سوره انسان آیت ۸) را نازل کرد، گروهی از مسلمانان فکر کردند هر گاه در راه الله چیز کم و اندک ببخشند پاداش داده نمی شوند. و عده ای دیگر می اندیشیدند به سبب ارتکاب گناهان کوچک، دروغ، چشم چرانی، غیبت و مانند اینها توبیخ و سرزنش نمی شوند و مدعی بودند که خدا تنها به سبب گناهان کبیره آنها را به دوزخ می اندازد و بس. پس خدا جل جلاله: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» نازل شد.

#### خواننده محترم!

قابل تذکر است که علماء بر عام بودن این آیت اتفاق نظر دارند. کعب احبار می گوید: «خداوند جل جلاله بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم دو آیت نازل کرده است که تمام آنچه را در تورات، انجیل، زبور و صحیفه هاست، دربر گرفته اند، این دو آیت عبارتند از: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». همچنین در حدیث شریف به روایت ابن جریر و ابن ابی حاتم آمده است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه به رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفت:

یا رسول الله! آیا من در روز قیامت همسنگ ذره ای از عمل شر را که عمل کرده باشم، می بینم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ای ابابکر! ناخوشی هائی که در دنیا می بینی، کفاره مثقالهای ذره ای شر است اما خداوند جل جلاله مثقالهای ذره ای خیر را برایت ذخیره می کند تا این که در روز قیامت آنها را بازمی یابی».

#### وظیفه کاری شیطان در روز حشر:

قبل از همه باید گفت: از احادیث و روایات اسلامی طوری معلوم می گردد که با برپائی قیامت و دمیده شدن نفخ صور همه موجودات خواهند مُرد و قطعاً در این جمله ابلیس نیز مانند سایر انس و جن از بین خواهد رفت، اما کیفیت نابودی و مردن وی بر ما مشخص نیست، جز این که مطابق فحواى کلی سوره «زلزله» باید بگوئیم که در هنگام نفخ صور اول زلزله بسیار هولناکی اتفاق می افتد که از ترس آن زن شیرده نوزاد شیرخواره اش را فراموش می کند.

در قرآن کریم آمده: « قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ » (سوره ص ۷۹-۸۱). یعنی: ابلیس «گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که مردمان برانگیخته می‌شوند، مهلت ده» یعنی مرا شتابان نمران و به من تا یک نهایی مهلت ده که آن نهایت، روز برانگیخته شدن آدم و نسل وی بعد از مرگشان است. خداوند متعال «فرمود:» پذیرفتم «تو از مهلت‌یافتگانی تا روز معین معلوم» که من آن را برای فنای خلاق مقدر و معین کرده‌ام.

در این آیت ذکر شده که ابلیس تا «وقت معلوم» فرصت دارد، اما علماء و مفسرین در معنای آن دو نظر دارند: اول: اجل ابلیس مشخص است و علم آن تنها نزد خداوند است که چه وقت اجلش به سر خواهد رسید. دوم: گروهی از مفسرین گفته اند که آن وقت دمیدن نفخه دوم و هنگام برانگیخته شدن خلاق است. دلیل این‌که ابلیس تا روز رستاخیز مهلت خواست، این بود که از مرگ نجات یابد زیرا اگر او تا روز رستاخیز مهلت می‌یافت، نمی‌مرد پس خداوند متعال او را مهلت داد اما نه تا روز رستاخیز بلکه تا روز «صعق» که روز مرگ همه مخلوقات است:

« وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ » (سوره زمر ۶۸) «و در صور دمیده می‌شود پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بی‌هوش درمی‌افتد» این همان نفخه دوم یا نفخه «صعق» است.

**صعق:** عبارت از مرگ فوری است. **صور:** بوق یا شاخی است که اسرافیل در آن می‌دمد و از بس صدائی هولناک دارد، تمام اهالی آسمانها و زمین از ترس آن می‌میرند».

سوم: اکثر علما فرموده اند که منظور از «وقت معلوم» یعنی نفخه اول (فزع) است که دمیده می‌شود که جمیع خلاق می‌میرند، یعنی حتی بعد از نفخه دوم هم نیست، زیرا نفخه دوم برای برانگیخته شدن پس از مردن است. و رأی ابن عباس رضی الله عنه هم همان نفخه اول است.

بعضی نفخه فزع و صعق را یکی نمی‌دانند، اما در کتاب «تذکره» امام قرطبی آمده است: «نفخه فزع همان نفخه صعق است، چون ترس و وحشت لازم و ملزوم همدیگرند، مردم ابتداء دچار ترس و هراس صدای قیامت می‌شوند، سپس جان به جان آفرین تسلیم می‌کنند».

اما در قیامت سخت‌ترین عذاب برای اوست، و هیچ‌گاه پایانی بر عذابش وارد نمی‌شود و تا ابد در عذاب سخت الهی قرار می‌گیرد. خداوند متعال بعد از آن که به شیطان مهلت داد، به وی وعید می‌دهد که: « قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ \* لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ » (ص ۸۴-۸۵). یعنی: فرمود: «به حق سوگند، و حق می‌گویم، که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!». بدین‌گونه، خداوند عزوجل سوگند یاد می‌کند که ابلیس و پیروانش را به دوزخ وارد خواهد کرد تا بدانجا که دوزخ از آنان پر و انباشته شود.

### چگونگی حشر انسانها در روز قیامت:

مفسرین در مورد این که انسانها در روز قیامت در چه حالت بدنی حشر می‌شوند، می‌نویسند: انسانها در روز حشر در حال پا برهنگی، لخت و غیر ختنه شده حشر خواهند شد.

این علماء استدلال خویش را به حدیث، صحیح مسلم و بخاری که از ابن عباس رضی الله عنه روایت گردیده مستند می‌سازند که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ خُفَاءَ عُرَاةٍ غُرُلًا ثُمَّ قَرَأَ: «كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ»

(سورة الأنبياء: ۱۰۴) ( شما پابرهنه، لخت و غیر ختنه شده مبعوث خواهید شد، سپس آیت ذیل را از قرآن برای یاران تلاوت فرمود: (همان گونه که (نخستین بار سهل و ساده) آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم). محدثین می‌افزایند: زمانی که حضرت بی بی عایشه رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که مردم روز قیامت عریان و برهنه حشر خواهند شد، عرض کرد:

ای پیامبر الله! زنان و مردان همه به سوی همدیگر نگاه خواهند کرد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای عایشه، صحنه خطرناکتر از این خواهد بود که مردم به سوی همدیگر نگاه کنند. (مشکاة المصابیح: (۵۷/۳)). البته در بعضی روایات آمده است که انسان در همان لباسی که هنگام مردن به تن داشته، حشر می‌شود، ابوداود، ابن حبان و حاکم از ابوسعید خدری نقل کرده‌اند که هنگام احتضار از اطرافیان خواست تا لباس تازه‌ای برای او بیاورند، سپس آن را پوشید و فرمود از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده‌ام که می‌فرمود: «إن الميت یبعث فی ثیابه الّتی یموت فیها» سلسله احادیث الصحیحة، شماره ۱۶۷۱. (همانا میت در همان لباسی که در آن رحلت کرده است، حشر می‌شود). حاکم این حدیث را صحیح و موافق با شرایط صحیح بخاری و مسلم قرار داده است. امام بیهقی با سه روش میان این حدیث و حدیث گذشته توافق ایجاد نموده است:

۱ - لباسی که هنگام مرگ به تن داشته‌اند، بعد از بلند شدن از قبر پاره می‌شود، در نتیجه برهنه و لخت در مقابل حشر قرار می‌گیرند، اما بعد از موقف حشر لباس بهشتی به تن می‌کنند.

۲ - زمانی که پیامبران و بعد از آنها صدیقین و به دنبال صدیقین بنا به مراتب، انسانهای دیگر لباس می‌پوشند، جنس لباس هر کدام از همان لباسی است که هنگام مرگ به تن داشته است، ولی هنگام ورود به خلد برین لباس بهشتی به تن می‌کنند.

۳ - منظور از لباس در حدیث بعدی، اعمال هستند، یعنی هر انسانی در حال انجام عملی حشر می‌شود که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است، خداوند می‌فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (سورة الأعراف: ۲۶) (لباس تقوا و ترس از خدا، بهترین لباس است).

«وَتِيَابِكَ فَطَهَّرْ» (سورة المدثر: ۴) (و جامه خویش را پاکیزه دار (و خویشتن را از آلودگیها پاک گردان). امام بیهقی برای توجیه جواب سوم به حدیثی از کاکایش استدلال می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَىٰ مَا مَاتَ عَلَيْهِ». (النهاية ابن كثير ۲۸۸/۱). (هر انسان در حال انجام عملی مبعوث و محشور می‌گردد که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است).

هر چند از حدیث جابر در صحیح مسلم نمی‌توان استنباط کرد که انسان در همان لباسی حشر می‌شود که در آن وفات کرده است، چون مفهوم حدیث بنا به دلایل دیگر این است که انسان اگر هنگام مرگ بر کفر یا ایمان، شک یا یقین جهان را وداع گفته باشد در قیامت هم بر همان حال و وضعیت زنده می‌شود و به بارگاه الهی می‌شتابد، همانگونه که در حدیث دیگر آمده انسان بر همان کرداری حشر می‌گردد که هنگام مرگ آن را انجام می‌داد، حدیث مسلم از عبدالله بن عمر این مفهوم را تأیید می‌نماید که می‌فرماید از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ عَذَابًا أَصَابَ الْعَذَابُ مَنْ كَانَ فِيهِمْ ثُمَّ بُعِثُوا عَلَىٰ أَعْمَالِهِمْ» (اگر خداوند اراده کند که قومی را در دنیا مجازات کند، آنها را دچار عذاب و هلاکت می‌سازد، سپس با همان حالت آنها را زنده می‌کند) صحیح مسلم: (۲۲۰۶/۲) شماره: (۲۸۷۹).

اگر کسی در حالت احرام بمیرد، روز قیامت در حال لیبیک گفتن حشر می‌شود، بخاری و مسلم از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده که مردی در سفر حج با رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه بود، از روی شتر خود

افتاد و گردنش شکست و مرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اغسلوه بماءٍ وسدرٍ وكفّوه في ثوبين ولا تحنطوه ولا تحمروا رأسه فإنه يبعث يوم القيامة ملبياً» مشکاة المصابيح: ۱/ ۵۲۰ و شماره حدیث: ۱۶۳۷ می باشد. (با آب و سدر او را غسل دهید و در همان دو پارچه احرام او را کفن دهید، به او عطر نزنید و سرش را نبوشانید، چون در روز قیامت در حالت احرام و لیبیک گفتن حشر خواهد شد).

شهید روز قیامت در حالی حشر می شود که از زخمش خون می ریزد، رنگ خون قرمز است، ولی بوی عطر از آن بلند می شود.

با توجه به روایات مذکوره تلقین مریض در حال مرگ در حالت مردن به لا اله الا الله مستحب است تا در حالت توحید بمیرد و روز قیامت در حالت توحید حشر شود.

#### یادداشت:

خداوند عیناً همان انسانهای مرده را زنده می کند، اما این آفرینش با حیات دنیوی اندکی متفاوت است، یکی از تفاوت های قابل ملاحظه این است که جسد تازه با وجود بلا و مصیبت های فراوان، نابود نمی شود، خداوند می فرماید: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ» (سوره ابراهیم: ۱۷). (مرگ از هر سو بدو روی می آورد و حال این که نمی میرد).

در حدیثی که حاکم با سند صحیح از عمرو بن میمون اودی روایت می کند، آمده که معاذ بن جبل بلند شد و فرمود: «یا بنی اود! اینی رسول رسول الله صلی الله علیه وسلم تعلمون المعاد إلى الله، ثم إلى الجنة أو إلى النار، وإقامة لا ظعن فيه، وخلود لا موت فی أجساد لا تموت» سلسله الاحادیث الصحیحة: (۱۶۶۸).

یعنی: ای بنی اود من فرستاده رسول خدا هستم، شما از برگشتن به سوی خداوند مطلع هستید، بعد از آن مسیر نهائی به سوی بهشت است یا به دوزخ، در قیامت زندگی ماندگار است و کسی کوچ نمی کند، همه برای ابد آفریده می شوند و مرگ در کسی را نمی زند، اجساد برای نابودی زنده نمی شوند.

از جمله این تفاوت ها دیدن و رویت موجوداتی است که در دنیا آنها را نمی دیدند، یا نمی توانستید آنها را ببینید، چون انسان ها در آن روز، فرشتگان و جن ها را می بینند، همچنین یکی دیگر از تفاوت ها و شگفت های قیامت این است که بهشتیان آب دهان، ادرار و مدفوع ندارند.

این تفاوت ها به معنای آن نیستند که زنده شدگان قیامت موجوداتی مخالف مخلوقات قیامت هستند، همانگونه که ابن تیمیه می فرماید: «هر دو حیات از یک جنس واحد هستند، در صفات و حالاتی با هم متفق، مشابه و متماثل هستند و در برخی حالت دیگر با هم شباهتی ندارند، بر این اساس است که قیامت را مبدأ می نامند، چون هر چیزی به اصل و اساس خودش بر می گردد، بنا براین لفظ «اعاده» مقتضی مبدأ و معاد است». مجموع الفتاوی: (۲۵۳/۱۷).

#### یادداشت:

اهل جنت به بهترین و زیباترین شکل و صورت (یعنی: شکل و صورت پدر خود حضرت آدم علیه السلام وارد بهشت می شوند. پس هیچ شکل و صورتی کامل تر و زیباتر از صورتی که خداوند آدم ابوالبشر را بر آن آفریده است وجود ندارد. خداوند آدم را با دست های خود آفریده، آفرینش وی را به اتمام رسانده و به زیباترین صورت او را در آورده است. لذا هر کس که وارد بهشت شود، به صورت آدم و ساختار جسمی او خواهد بود. خداوند آدم را بسیار قد بلند، مانند: درخت خرما بلند آفریده است که طول او شصت ذراع بوده است. در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره رضی

الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند آدم را به صورت خود آفریده است. بلندی قدش شصت ذراع است. لذا هر کس که داخل بهشت شود بر همان صورت آدم داخل می‌شود. طولش شصت ذراع است. بعد از آفریدن آدم ارتفاع قامت انسانها همواره رو به کاستی بوده است». صحیح مسلم، کتاب: الجنة، باب یدخل الجنة اقوام افندتهم مثل افئدة الطیر: ۲۸۴۱.

و از جمله زیبایی صورت و چهره های اهل بهشت این است که مانند نوجوان بدون ریش خواهند بود. چنان به نظر می‌رسد که سر مه کشیده اند، و همه آنها ۳۳ ساله وارد بهشت می‌شوند.

در مسند احمد و سنن ترمذی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «بیدخل اهل الجنة جرماً مرداً کانهم مکحلون ابناء ثلاث و ثلاثین». (اهل جنت در حالی وارد جنت می‌شوند که مجرد و بدون ریش هستند. چنان زیبا خواهند بود، که گویی سر مه به چشم کشیده اند و ۳۳ سال عمر دارند). صحیح مسلم: (۷۹۲۸).

### یادداشت:

اهل دوزخ به شکل و صورتی بسیار بیمناک و فربه - که مقدار حجم آنها را جز پروردگار کسی دیگر نمی‌تواند، اندازه کند- وارد دوزخ می‌شوند. در حدیثی که ابو هریره آن را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل می‌کند، چنین آمده است: «ما بین منکبی الکافر مسیره ثلاثة ایام للراکب المسرع». صحیح مسلم، باب النار یدخلها الجبارون (۴/۲۱۹۰). یعنی: (در روز قیامت لاشه کافر چنان بزرگ می‌شود که اسب سوار تند و تیز در طی سه روز می‌تواند فاصله میان دو شانه آن را بپیماید).

بزرگی حجم و جسم کافر به خاطر آن است تا به عذاب و شکنجه اش افزوده شود. امام نووی در شرح این احادیث می‌فرماید: «همه اینها به خاطر آن است که شکنجه اش به حد نهائی برسند. آری ایمان به همه این کارها واجب است. چون رسول صادق المصدق بدان خبر داده است. شرح نووی علی مسلم: (۱۸۶/۱۷).

این کثیر در شرح و توضیح این احادیث می‌گوید: «لیکون ذلک انکی فی تعذیبهم، واعظم فی تعبهم و لهیبهم، کما قال شدید العقاب: (لیذوقوا العذاب)» "نهایه" لابن کثیر.

(این افزودگی به لاشه کافر بدان جهت است تا عذاب بیشتری را بچشد، همانطور که خدای شدید العقاب می‌فرماید: تا عذاب را بچشند). والله اعلم

### پناه گزینان عرش الهی :

بخاری و مسلم در صحیح خود از ابی هریره، روایت می‌کند که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ طَلَبْتُهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالَ فَقَالَ إِيَّيْ أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ أَخْفَى حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ بِيَمِينِهِ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ». (بخاری کتاب اذان، باب «من جلس فی مسجد».)

روزی که مردم در میدان محشر در گرمای سوزان آفتاب با سختی هائی مواجه می‌شوند که کوههای بلند و محکم تاب و توان تحمل آن را ندارند، هفت گروهی از برگزیدگان زیر سایه عرش الهی در نهایت آرامش و اطمینان به سر می‌برند و از این ناراحتی و هراسی که دیگران را فرا گرفته گزند نمی‌بینند.

این دسته دارای همتی والا و عزم و اراده آهنینی هستند، عقیده اسلامی با خون و گوشت آنها عجین شده، زیرا ارزشهای متعالی اسلام بر آنها حکومت می‌کرد و یا مشغول کرداری بودند که در میزان اسلام دارای اهمیت و وزنه فراوانی بود.

- یکی از این راد مردان امام عادل است که با وجود قدرت و امکانات فراوان، از طغیان و فساد کردن فرسنگها فاصله گرفته و میان انسانها با عدالت رفتار می کند و عدل و قسط را مطابق با موازین و اصول شرعی پیاده می کند.

- یکی دیگر جوانی است که توأم با بندگی خداوند پرورش یافته و نفس اماره را با لگام تقوی مهار کرده و به هوس و خواسته های نفس اماره، پاسخ رد داده و عمرش را بدون آلابش به گناه سپری نموده است.

- یکی دیگر کسانی که با طاعت و بندگی، مساجد خدا را آباد کرده و در فضای معنوی آنها احساس سکون و آرامش می کنند و هرگاه از مساجد جدا شوند، روح و روانشان همواره متوجه مسجد خواهد بود.

- یکی دیگر کسانی هستند که صرفاً به خاطر خداوند با همدیگر محبت و دوستی می کنند و پیوند برادری آنها فقط به خاطر خداوند است، گردهمائی شان در نیکی و تقوا و اصلاح است و جدائی آنها نیز مبتنی بر اعمال نیک خواهد بود.

- یکی دیگر کسانی هستند که زمینه گناه و فتنه در شکل زیباترین زن ها برای شان فراهم می شود، اما تقوا و ترس از خدا نمی گذارد مرتکب عملی خلاف میل پروردگار شوند.

- یکی دیگر کسانی هستند که فقط برای خشنودی خداوند انفاق می کنند و انفاق آنها در پنهانترین شیوه صورت می گیرد، به گونه ای که خود هم از آن اطلاع پیدا نمی کنند.

- آخرین گروه کسانی هستند که دلپایشان سرشار و مملو از خوف خداوند است و بر اثر آن ترس و خوف در عالم تنهائی، اشک می ریزند.

### خواندن نماز برای دفع زلزله:

قبل از همه باید گفت : که در شرع اسلامی برای دفع زلزله نمازی وجود ندارد، و هیچ حدیثی از شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده که ایشان (به جز برای کسوف) نمازی تحت عنوان دفع مصایب از جمله زلزله و یا دفع طوفان ها و سیل ها و غیره.. خوانده باشد .

بر همین استدلال است که برخی از علماء نماز خواندن را به جز برای کسوف و خسوف روا نمی دانند. ولی هستند تعدادی از فقهای مذاهب که با استناد به روایتی از حضرت ابن عباس رضی الله عنه حکم نموده اند که خواندن نماز (به همان شیوه ای که برای نماز کسوف خوانده می شود) در وقت روی دادن هر نشانه ای از آیات الهی مانند زلزله، طوفان، سیلابهای ویرانگر .. مستحب است؛ و روایت ابن عباس رضی الله عنه چنین است: «أنه صلی فی زلزلة بالبصرة كصلاة الكسوف، ثم قال : هكذا صلاة الآيات» یعنی: «ابن عباس به دلیل زلزله شهر بصره همانند نماز کسوف خواند، سپس گفت : نماز آیات اینگونه است».

این روایت را ابن ابی شیبیه (۴۷۲/۲) و عبد الرزاق (۱۰۱/۳)، و بیهقی در «السنن الکبری» (۳۴۳/۳) آوردند و بیهقی گفته این عمل از ابن عباس ثابت است و حافظ ابن حجر در (فتح الباری (۵۲۱/۲) آنرا صحیح دانسته است. علامه کاسانی حنفی می گوید : «نماز خواندن در وقت هر ترس و هراسی (که بر مردم وارد می شود) مستحب است، مانند : باد شدید، و زلزله، و تاریکی (در روز)، و باران مداوم؛ زیرا اینها از مخاوف هستند، و موجب هول و هراس اند...» (بدائع الصنائع (۲۸۲/۱)).

و در کتاب «منح الجلیل شرح مختصر خلیل» (۳۳۳/۱) از کتب مالکیه آمده : «و نماز زلزله و دیگر آیات مخوف شبیه وبا و طاعون مستحب است، به صورت جماعت با دو رکعت یا بیشتر».

و اما حنابله تنها نماز زلزله را مستحب می دانند و آنها به دلیل روایت ابن عباس، غیر آن را مشروع نمی دانند. نگاه به : «کشاف القناع» (۶۶/۲) .

و در کتاب « التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید » (۳/۳۱۸) چنین آمده : «.. و امام مالک و شافعی معتقد به خواندن نماز در وقت زلزله و تاریکی (در روز) و باد شدید نبودند، ولی گروهی از اهل علم از جمله امام احمد و اسحاق و ابوثور به نماز خواندن در این مواقع معتقد بودند و از ابن عباس روایت شده که او در وقت زلزله نماز خوانده، و ابوحنیفه هم گفته : اگر کسی نماز بخواند خوب است، و اگر هم نخواند ایرادی ندارد. و بعد مؤلف ادامه می دهد : از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده که در عصر ایشان زلزله آمده باشد و سنتی در این باره (یعنی خواندن نماز در وقت زلزله) به صحت نرسیده، و اولین زلزله در عهد اسلام در زمان خلافت عمر رضی الله عنه بوده است..»

حماد بن سلمه از قتاده از عبدالله بن حارث روایت می کند که در شهره بصره زمین لرزید، ابن عباس گفت : والله نمی دانم زمین لرزید یا زمین (زیر پای) من بود، لذا بلند شد و همراه مردم نماز کسوف خواند. و اما امام نووی در (المجموع ۶۱/۵) می گوید که : امام شافعی معتقد بود که نماز آیات را می توان به صورت انفرادی در خانه و بدون جماعت خواند.

و شیخ الاسلام ابن تیمیه معتقد بود که خواندن نماز در وقت هر نشانه ای از آیات الهی مشروع است، می گوید : «و نماز (به شیوه) کسوف برای هر آیتی مانند زلزله و غیر آن خوانده می شود، و این قول ابوحنیفه و روایتی از احمد و محققین حنابله و دیگران است». (الفتاوی الکبری ۳۵۸/۵). و اما شیخ ابن عثیمین درباره خواندن نماز به غیر از کسوف و خسوف می گوید : «علماء بر سه قول اختلاف نظر دارند :

**قول اول :** برای هیچ آیتی نماز خوانده نمی شود به جز برای زلزله .

و اینها می گویند : در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم باد و طوفان و بارانهای شدید وجود داشته ولی نمازی برای این موارد نخواندند، اما برای زلزله به روایت ابن عباس و علی ابن ابیطالب رضی الله عنهم استناد می کنند که آنها در وقت زلزله نماز خواندند، پس حجت آنها عمل صحابی است.

**قول دوم :** تنها برای خورشید و ماه نماز خوانده می شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمَا فَصَلُّوا». یعنی : «هرگاه خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی روی داد نماز بخوانید». متفق علیه. به جز این دو برای هیچ آیتی از آیات تخویف (هولناک) نمازی خوانده نمی شود، و عمل ابن عباس اجتهاد شخصی ایشان بوده است.

**قول سوم :** برای هر آیت هولناکی نماز خوانده می شود.

**و دلیل آنها چنین است :**

۱- عمومیت علت فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتٌ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ، يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِمَا عِبَادَهُ». یعنی : «همانا خورشید و ماه دو نشانه از آیات الهی هستند، که خداوند به وسیله آن دو بندگان را می ترساند». مسلم (۹۱۱).

و گفتند : هر آیتی که در آن ترس و هراس باشد، می توان برای آن نماز خواند.

۲- سختی و هراسی که در بعضی آیات ایجاد می شود از سختی کسوف بیشتر است.

۳- آنچه از عمل ابن عباس و علی رضی الله عنهم روایت شده، دلالت می کند که نماز تنها مختص کسوف نیست، و هر چیزی که تخویف و هراس داشته باشد می توان برای آن نماز خواند.

۴- .. و اگر در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم باد و رعد و برق و مانند اینها بودند و نماز نخواندند، دلیل بر خلاف گفته ما نیست؛ زیرا ممکن است آن باد معمولی باشد و مردم به شدت آن عادت گرفته باشند و برای آنها ترسناک نبوده

باشد، .. درست است که بعضی از رعد و برقها بسیار بزرگ و ترسناک است، ولی آیا رعد و برق زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم هم تا این حد ترسناک بوده؟ چه کسی می تواند ثابت کند که اینگونه بوده؟.. این رأی سوم رأی برگزیده شیخ الاسلام ابن تیمیه است که راجح هم همین است». « الشرح الممتع (۱۹۳/۵) با اختصار اندک و جزئی.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

### فهرست مطالب:

معلومات مؤجز  
ترجمه مؤجز  
پیامهای سوره  
اسباب نزول  
فضیلت سوره زلزله  
محتوی سوره  
وجه تسمیه  
تفسیر سوره زلزله  
وظیفه کاری شیطان در روز حشر  
چگونگی حشر انسانها در روز قیامت  
پناه گزینان عرش الهی  
خواندن نماز برای دفع زلزله

### منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل



- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)

- صحیح مسلم

- صحیح البخاری